



مدرسه حقوق قر



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law

Marzieh Kazemi

Master's student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran
(Corresponding Author)

صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران

مرضیه کاظمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
marzikaazemi20@gmail.com

Mostafa Kafi

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran

مصطفی کافی

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان،
اصفهان، ایران
kafi.law@gmail.com

Abstract

The right to identity documents is one of the basic rights of individuals from birth and cannot be related to the legitimacy or illegitimacy of the relationship between their parents. Children born from illegitimate relationships in Iran are born as a result of adultery and according to the laws, these children are attached to the adulterer and the adulteress, and the rights and duties that the law and custom provide for legitimate children are also applicable to illegitimate children. The issue discussed in this research is the gross difference between legitimate and illegitimate children in terms of their identity documents, which will be visible and tangible if the adulterer, or in other words, the father of the child, does not obtain an identity card. In this article, the issuance of identity documents for illegitimate children has been comparatively examined in custom, law, and international documents, and appropriate and efficient legal solutions have been proposed to reduce this difference between children and, consequently, humans.

Keywords: Identity Documents, Illicit Relationship, Birth Certificate, Illegitimate Child.

چکیده

حق داشتن اسناد هویتی به عنوان یکی از حقوق اولیه اشخاص از بدو تولد ایجاد می گردد و نمی توان وجود آن را به مشروع یا نامشروع بودن رابطه پدر و مادر وی مربوط دانست. اطفال متولد شده از روابط نامشروع در ایران در اثر عمل زنا به وجود می آیند و مطابق قوانین، این اطفال ملحق به زانی و زانیه هستند و حقوق و تکالیفی که قانون و عرف برای کودکان مشروع در نظر دارد برای کودکان نامشروع نیز جاری است. موضوعی که مورد بحث این پژوهش می باشد، تفاوت فاحش میان کودکان مشروع و نامشروع از حیث اسناد هویتی آنها است که اگر زانی یا به عبارتی پدر طفل اقدام به اخذ شناسنامه ننماید این تفاوت مشهود و ملموس خواهد شد. در این پژوهش صدور اسناد هویتی اطفال نامشروع با توجه به عرف، قانون و همچنین اسناد بین المللی مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است و راهکارهای حقوقی مناسب و کارآمد برای کاهش این تفاوت میان کودکان و به تبع آن انسان ها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: اسناد هویتی، روابط نامشروع،

شناسنامه، طفل نامشروع.

ارجاع:

کاظمی، مرضیه؛ کافی، مصطفی؛ (۱۴۰۴)، نحوه صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

حقوق که مرزها و بایدها و نبایدهای جامعه را تشکیل می‌دهد، از اعتقادات آن جامعه متأثر است و نمی‌تواند بدون پذیرش این اعتقادات در جامعه مؤثر باشد. به عبارتی حقوق و اعتقادات جامعه رابطه‌ای مستقیم با هم دارند. حقوق باید برخاسته از ملت و برای ملت باشد. حقوق باید به گونه‌ای باشد که مردم جامعه را حمایت کند نه این که سوءظن به افراد آن جامعه داشته باشد. در واقع باید مردم آن را بپذیرند. در دهکده جهانی امروز که اعتقادات هر شخص متفاوت است، قانون می‌بایست به گونه‌ای تنظیم و تدوین شود که این تفاوت در قانون هویدا و آشکار نباشد. با این وجود در برخی از موارد نقطه اشتراکی میان اکثر مردم در مورد قانون، وضع آن و یا حتی تغییر آن وجود دارد. یکی از این موارد احراز هویت اطفال ناشی از روابط نامشروع در جهان و به طریق اولی در ایران است.

فلسفه وجودی قانون در این است که نیازهای جامعه و مردم را برطرف کند، امروزه نیاز جامعه ما وجود قانونی است که احراز هویت اطفال ناشی از روابط نامشروع را به نحوی که موجب ضرر و زیان و همچنین آزار و اذیت اطرافیان نباشد به عرصه ظهور آورد. زندگی بدون سوء شهرت و آزادی عمل در جهت انتخاب و نحوه زندگی، از حقوق اولیه انسان‌ها است و نمی‌توان در مورد زندگی شخصی و خصوصی افراد قانونی وضع کرد که مخالف عقاید آن‌ها است. شناسایی شخصیت، حقوق، تعهدات،

حمایت و احترام از بدو تولد از موارد جدانشدنی زندگی هر فرد می‌باشد.

کودکانی که با نص صریح قانون مجازات اسلامی از رابطه نامشروع و زنا متولد می‌شوند، از جهت طبیعی و فیزیولوژیک متعلق به زانی و زانیه می‌باشند (صفایی و امامی، ۱۴۰۳، ۳۷۰) و تمامی حقوق و تکالیفی که در قانون مدنی و سایر قوانین مدونه ایران وجود دارد بر آن‌ها بار می‌شود و پدر و مادر طفل می‌بایست این حقوق و تکالیف را رعایت نمایند. به عبارتی، رعایت این حقوق و تکالیف توسط پدر و مادر طفل و به تبع آن جامعه، جزء ابتدایی‌ترین حقوق طفل متولد شده است (باریکلو، ۱۴۰۱، ۳۴) و مطابق اصل برابری انسان‌ها، این حقوق همان طور که برای اطفال ناشی از روابط مشروع رعایت می‌گردد می‌بایست برای اطفال ناشی از روابط نامشروع نیز رعایت گردد (صفایی و امامی، ۱۴۰۳، ۳۷۶).

همچنین، جهت تضمین عدالت، انصاف و عدم تغییر طریقه قضایی و عرفی مطابق اصل شخصی بودن جرم و مجازات، جزای قانونی و عرفی جرم زنا و رابطه نامشروع مربوط به زن و مردی است که این جرم را انجام داده‌اند و نباید این جزا به کودک متولد شده از آن رابطه نامشروع ربط داده شود. زیرا این طفل بنا بر اصل برائت هیچ مشارکت و معاونتی که سبب ارتکاب این جرم و عمل حرام باشد انجام نداده و دلیلی که مثبت جرم و گناه وی باشد در این مورد وجود ندارد (خالقی، ۱۴۰۳، ۱۹۳) و صرفاً ثمره آن به صورت خواسته یا ناخواسته می‌باشد. زندگی در پرتوی تولد در رابطه نامشروع که جامعه لقب دیگری به آن می‌دهد و تفاوتی که با دیگر کودکان و به تبع آن دیگر انسان‌ها در تمامی سنین مشهود است، سبب بروز ناسازگاری‌هایی با جامعه و انسان‌ها می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ارتکاب جرایم و تخلفات اجتماعی اشاره کرد.

در این پژوهش سعی شده است مواردی که مربوط به ثبت احوال و اخذ شناسنامه برای اطفال نامشروع می‌باشد از منظر فقهی، قانونی و اجتماعی مورد بحث قرار گیرد و هدف از این پژوهش اثبات صلاحیت مادر در مورد تمامی اطفال چه مشروع و چه غیر مشروع در رابطه با اخذ شناسنامه می‌باشد.

۱- تعریف رابطه نامشروع در فقه و حقوق

در قانون ایران رابطه نامشروع به روابطی اطلاق می‌شود که خارج از چهارچوب قانونی و شرعی ازدواج

قرار دارند. این روابط معمولاً به عنوان زنا شناخته می‌شوند و طبق قانون جمهوری اسلامی و مدنی ایران از نظر حقوقی و اجتماعی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. تعریف رابطه نامشروع در قانون ایران به شدت تحت تأثیر اصول شرعی و فرهنگی قرار دارد و این موضوع می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی اطفال متولد شده از این روابط داشته باشد. همان طور که در فقه آمده زنا عبارت است از نزدیکی شخص بالغ و عاقل با زنی که بر او حرام است، بدون این که عقد نکاح یا شبهه وجود داشته باشد، با علم به حرمت نزدیکی و اختیار (شهید ثانی، ۱۳۹۹، ۳۲۴). طفل نامشروع به فرزندگی گفته می‌شود که حاصل از یک رابطه خارج از ازدواج^۱ می‌باشد، یعنی پدر و مادر وی در زمان انعقاد نطفه وی دارای رابطه زوجیت شرعی و قانونی نبوده‌اند.

۲- حقوق و تکالیف اطفال متولد شده از روابط نامشروع در شرع

در شرع اسلام رابطه مرد و زن بدون صیغه محرمیت و ارتکاب عمل زنا، منع شده است و اقدام به این عمل حرام سبب وجود نتایجی می‌شود که نص صریح شرع و قانون به آن اشاره کرده و نمی‌توان به راحتی از آن چشم پوشی کرد. اما موضوع مورد بحث این است که فرزند متولد شده از این روابط که هیچ گونه مداخله و حق انتخاب و علتی بر این عمل حرام نداشته است، می‌بایست مانند تمامی انسان‌های دیگر که از روابط مشروع متولد شده‌اند زندگی کند و حقوق و تکالیفی یکسان با آن‌ها داشته باشد. همان گونه که شرع در مورد عمل زنا سخن گفته و شرایط، اوضاع و احوال و عواقب و جزای آن را مشخص کرده، در مورد فرزندان متولد شده از این روابط نیز طرح مبحث شده و فتاوای معتبری نیز در این زمینه وجود دارد. احکام در شرع یا قانون بر دو قسم است: احکامی که مبتنی بر رابطه خونی و طبیعی هستند مانند حرمت نکاح با محارم. در این حکم فرقی نمی‌کند که نسب صحیح باشد یا فاسد زیرا در نسب فاسد نیز رابطه خونی و طبیعی وجود دارد. احکامی که مبتنی بر نسب و رابطه شرعی است. نتیجه آن که ولد زنا شرعاً و قانوناً ولد نیست اما به اعتبار طبیعی و خونی ولد محسوب می‌شود و به عبارت دیگر بعضی از احکام بر ولد طبیعی و خونی مترتب می‌شود مانند حرمت ازدواج و بعضی دیگر بر ولد شرعی و قانونی مترتب می‌شود

مانند توارث. اما حقیقت آن است که این پاسخ در مقام ثبوت و تصور قابل توجیه است ولی در مرحله اثبات مشکل است زیرا اگر ادله احکام را در نظر بگیریم و آیات شریفه ارث و محرمات نسبی را مطالعه کنیم روشن می‌شود که ولد در همه آیات به یک مفهوم است و تفکیک میان آن‌ها دلیل ندارد و نتیجه آن است که مراد از ولد در تحریم نکاح و ارث همان معنی لغوی، عرفی و طبیعی است و نهایتاً در آیه ارث به وسیله نص خاص ارث از کودک حاصل از زنا منع شده است (قبله‌ای خویی، ۱۳۹۳، ۱۴۸).

همچنین، در رابطه با نفقه نیز امام خمینی (ره)، آیت الله گلپایگانی، آیت الله مکارم شیرازی معتقدند که نسب یک حقیقت شرعی نیست بلکه یک حقیقت عرفی است و نفقه فرزند نامشروع بر پدر عرفی اوست. از نظر دکتر کاتوزیان نیز پدر و مادر طبیعی طفل از نظر اخلاقی در برابر ثمره گناه خود مسئولیت دارند، دینی که وجدان عمومی و اخلاق می‌شناسد ولی قانون حق رجوع به مدیون را به طلبکار نداده است. بر طبق قواعد عمومی تعهدات، اجرای تعهد به وفای دین طبیعی آن را به دین حقوقی تبدیل می‌کند. امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی درباره نفقه متولد الزنا و حفظ و نگهداری او به وسیله زانی، متولد از زنا را در نفقه و حضانت در حکم سایر اولاد دانسته است (کریمی، ۱۳۶۵، ۴۷).

فقه‌های عامه معتقدند که رابطه نسب میان کودک خارج از نکاح و مادرش برقرار می‌باشد و حقوق و تکالیفی که در نسب مشروع وجود دارد، در رابطه بین آن‌ها نیز جاری است و تکلیف به نگهداری و حضانت کودک تنها به عهده مادر می‌باشد (مغنیه، ۱۳۸۶، ۲۷۶) و حضانت کودک بعد از مادر بر عهده جد مادری و پس از آن بر عهده جده پدری و سپس خواهر تنی و خواهر مادری و خواهر پدری است تا به عمه و خاله برسد و در صورتی که از اقربا زنی نباشد، نوبت به اقوام ذکوری می‌رسد که به ترتیب ارث، تکلیف حضانت دارند (بدران، ۱۹۶۱م، ۳۲۳). آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ به استفتایی که از ایشان به عمل آمده، به‌طور صریح، ولایت زانی را از ولد زنا نفی نکرده و فرموده است که ظاهراً ولایت و سرپرستی ولد زنا با پدر عرفی است، البته در صورتی که پسر باشد تا دو سال و اگر دختر باشد تا هفت سال حضانت او با مادر است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴، ۴۷۹).

با عنایت به مطالب فوق که در فقه آمده و دکتربین ما نیز بر آن قائل هستند، فرزندان متولد شده از

روابط نامشروع از لحاظ علمی و فیزیکی و طبیعی هیچ تفاوتی با فرزندان متولد شده از روابط مشروع ندارند و حتی در احکام فقهی ما نیز حقوق و تکالیفی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است و احکام مربوط به احراز هویت آن‌ها نیز همانند دیگر فرزندان متولد شده از روابط مشروع می‌باشد و می‌بایست پدر عرفی اقدام به اخذ شناسنامه برای آن‌ها کند.

۳- حقوق اطفال متولد شده از روابط نامشروع در قانون ایران

تا پیش از سال ۱۳۷۶ رویه مشخصی در رابطه با اطفال متولد شده از روابط نامشروع وجود نداشت تا این که رای وحدت رویه ای^۲ صادر شد. در این رای وحدت رویه مشخص گردید که زانی یا زناکننده پدر عرفی طفل تلقی شده و پدر عرفی کلیه وظایف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه به عهده وی می‌باشد و طبق ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آن‌ها شکل نمی‌گیرد و منتفی است (صفایی و امامی، ۱۴۰۳، ۳۷۷). پس از صدور این رای وحدت رویه شرایط و اوضاع و احوال اطفال ناشی از روابط نامشروع بهبود یافت. اما نکته مهمی که وجود دارد این است که، اگر پدر^۳ حاضر به حضور در ثبت احوال و اخذ شناسنامه برای طفل خود نشد، مطابق این رای وحدت رویه و ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ مادر می‌تواند برای طفل ناشی از رابطه نامشروع، با نام خانوادگی خود اخذ شناسنامه کند. همچنین، امکان دارد مطابق ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی، پدر رابطه خونی و خویشاوندی خود را با فرزند متولد شده انکار کند و از سوی وی نفی ولد صورت بگیرد. در نتیجه فرزند متولد شده از آن رابطه نامشروع بدون شناسنامه و احراز هویت نمی‌تواند در جامعه زندگی کند.

۴- حقوق و تکالیف اطفال متولد شده از روابط نامشروع در اسناد بین‌المللی

در عرصه بین‌المللی، به موجب مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، شناسایی حیثیت و هویت ذاتی افراد و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. مطابق بند دوم ماده ۲۵ همین اعلامیه، کودکان، چه بر اثر ازدواج به دنیا آمده باشند و چه بدون ازدواج، حق دارند از

۲- شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۰۴/۰۳

۳- زانی

حمایت اجتماعی برخوردار گردند. طبق بند سوم ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدابیر خاصی در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیرممیز و ممیز بدون هیچ گونه تبعیض ناشی از نسب یا عوامل دیگر باید اتخاذ گردد و اطفال غیرممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند.

حقوق مطرح در کنوانسیون حقوق کودک برای تمام کودکان اعم از مشروع و نامشروع در نظر گرفته شده است و نباید در اعطای این حقوق تفاوتی میان کودکان گذاشته شود. در کنوانسیون حقوق کودک رعایت اصل ممنوعیت اعمال تبعیض در حق کودکان، مورد تأکید قرار گرفته و تصریح شده است. ماده دو این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده، برای تمام کودکانی که در حوزه قضایی آن‌ها زندگی می‌کنند، بدون هیچ گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی و اقتصادی، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهند نمود». بنا بر قید «تولد» که در این ماده آمده، کنوانسیون میان کودکان مشروع و نامشروع از لحاظ برخورداری از حقوق کودکان که در این کنوانسیون آمده است، تفاوتی قائل نیست و کودک را به‌طور مطلق، در نظر دارد. همچنین، در اعلامیه حقوق کودک ژنو در ۱۹۲۴ میلادی و در اعلامیه حقوق کودک در ۱۹۵۹ میلادی و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌ویژه ماده‌های ۲۳ و ۲۴ مراقبت ویژه از کودک و رفاه کودک به رسمیت شناخته شده است.

با در نظر گرفتن این موضوع که کشور جمهوری اسلامی ایران با استناد به قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده، می‌بایست ترتیبی اتخاذ کرد که حقوق کودکان در ایران مطابق با این کنوانسیون صرف‌نظر از این که متولد از رابطه مشروع هستند یا نامشروع تأمین گردد. همچنین، می‌توان با توجه به این کنوانسیون قانونی را در جهت حمایت از کودکان متولد شده از روابط نامشروع تدوین و تصویب کرد.

۵- حقوق اطفال متولد شده از روابط نامشروع در جامعه

اطفال متولد شده از روابط نامشروع که از همان ابتدا توسط نزدیکان خود تفاوت فاحش خود را با اطفال متولد شده از روابط مشروع متوجه می‌شوند، با گذشت زمان و وجود تروماهایی که از کودکی به همراه دارند سبب ایجاد ناهنجاری‌هایی از سمت آنان در جامعه می‌شود. این ناهنجاری‌ها در جایی اوج می‌گیرد که پدر عرفی آنان اقدامی به اخذ شناسنامه نکرده و مادر با نام خود شناسنامه گرفته است و تفاوت آن‌ها با دیگر افراد متولد شده از روابط مشروع فاش می‌شود. این افراد در جامعه ما که کالبدی از مدرنیته است ولی در اعماق آن تعصب، مذهب و آبرو نقش به سزایی دارد به سختی می‌توانند با بروز تفاوت‌هایی که قانون و جامعه برای آنان با افرادی که از روابط مشروع متولد شده‌اند، زندگی کنند. انتقام، حسادت و خودنمایی ویژگی‌هایی هستند که افراد متولد شده از روابط نامشروع در طی دوره‌هایی از زندگی خود به آن می‌رسند و این خصلت‌ها در زندگی روزمره آنان تاثر به سزایی می‌گذارد (کی‌نیا، ۱۴۰۳، ۴۴۳).

همان‌طور که لومبروزو معتقد است، از خصلت‌های افرادی که به سمت و سوی ارتکاب جرم می‌روند و در نهایت جامعه آن‌ها را مجرم می‌خواند انتقام، حسادت و خودنمایی است. در نهایت، فرزندان ناشی از روابط نامشروع خود را در معرض رفتارهایی قرار می‌دهند که برای جامعه ناهنجاری محسوب شده و نمی‌توان با آن سازگار بود. جزء حقوق اولیه هر فردی است که انتخاب کند والد شود یا خیر و جامعه وظیفه مطلق دارد به این انتخاب احترام بگذارد و به جهت آن که در کشور ما سقط جنین با محدودیت‌هایی روبرو است و افراد نمی‌توانند به راحتی جنین خود را سقط کنند چه در روابط مشروع و چه در روابط نامشروع، می‌بایست سیاست‌هایی برای بعد از متولد شدن این اطفال در نظر گرفت. قاتل شدن تفاوت میان فرزندان ناشی از روابط نامشروع و مشروع نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه سبب بروز مشکلاتی نیز می‌شود.

رای وحدت رویه شماره ۶۱۷ بسیاری از این تفاوت‌ها و مشکلاتی که به وجود آورده بود را حل کرد. ولی از مهم‌ترین مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد و می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد، نحوه صدور اسناد هویتی برای اطفال متولد شده از روابط نامشروع است. مطابق این رای وحدت رویه پدر طبیعی و

عرفی وی می‌بایست اقدام به اخذ شناسنامه نماید و طبق ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ اگر پدر اقدامی نکرد مادر می‌تواند با نام و نام خانوادگی خود این امر را میسر کند. اما موضوعی که وجود دارد این است که اگر مادر اقدام به اخذ شناسنامه نماید در قسمت نام پدر، فرضی قید می‌شود و این امر سبب فاش شدن تفاوت این طفل با اطفال متولد شده از روابط مشروع می‌باشد. با این امر تمامی ناهنجاری‌های مذکور برای طفل به وجود خواهد آمد و زندگی و آینده وی را تحت تأثیر نامطلوب قرار خواهد داد. به عبارت دیگر، فرزندان ناشی از روابط نامشروع بدون این که خود علت باشند درگیر معلولی می‌شوند که ممکن است آن‌ها را به مسیری هدایت کند که ناخوشایند و غیرقابل تصور است.

شاید این ذهنیت برای برخی به وجود آید که حمایت از فرزندان ناشی از روابط نامشروع سبب افزایش بی‌بندوباری و کاهش حجب و حیا در جامعه گردد (صفایی و امامی، ۱۴۰۳، ۳۷۱). هرچند افزایش بی‌بندوباری در جامعه نتیجه این امر نیست و عواملی بسیار و گوناگونی دارد که نسبت به انسان‌های مختلف متفاوت می‌باشد و نمی‌توان این موضوع را علت و یا عامل صددرصدی بی‌بندوباری دانست و صرفاً احتمال دارد در بعضی موارد یکی از عوامل آن باشد که می‌توان با سیاست‌هایی که در قانون تدوین می‌شود و ایجاد محدودیت‌هایی برای انجام این کار از بروز آن جلوگیری کرد.

همچنین، ایجاد بستر و فرهنگ مناسب این موضوع توسط خانواده‌ها و سایر نهادهای آموزشی الزامی می‌باشد. برای مثال می‌توان برای موضوعی تحت عنوان اتخاذ شناسنامه توسط مادر برای طفلی که ناشی از زنا به عنف می‌باشد و به دلایلی مادر موفق به سقط آن نشده، سیاست‌هایی را در نظر گرفت. یا می‌توان به این موضوع اشاره کرد که هر زنی که اقدام به اخذ شناسنامه برای فرزند خود می‌کند در وهله اول می‌بایست سند نکاح دائم یا موقت خود را نیز ارائه دهد و در صورت نداشتن آن دستور قضایی مبنی بر این که طفل متولد شده ناشی از رابطه نامشروع می‌باشد را ارائه نماید و این دستور قضایی پس از تحقیقات و رسیدگی مراجع دادگستری در جهت حفظ آبرو و حیثیت آن زن و طفل و خانواده‌ای که در آینده تشکیل خواهد شد صادر گردد.

نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد این است که برخلاف ذهنیت افرادی که این موضوع را سبب افزایش

بی‌بندوباری می‌دانند، زنانی که ناسازگار با جامعه هستند و سبب هنجارشکنی و ارتکاب جرایمی همچون زنا می‌شوند در اکثر موارد حاضر به نگهداری جنین خود که از این راه به وجود آمده نیستند، معمولاً از بارداری پیشگیری می‌نمایند و اگر در مواردی جنینی به وجود آید پیش از تولد آن را از بین می‌برند و مرتکب جرم سقط جنین می‌شوند که آمار و اخبار نیز مثبت این ادعا است. حتی اگر باردار شوند و این بارداری به سقط جنین ختم نشود و نوزادی متولد شود، این زنان قادر و مایل به نگهداری نوزاد نیستند و اقدامی در جهت اخذ شناسنامه برای وی نمی‌کنند و به عبارت دیگر آینده و زندگی کودک برای آن‌ها اهمیتی ندارد که خود را درگیر این مسائل نمایند. زیرا شرایط و اوضاع و احوال زنی که به این حرفه مشغول است اجازه ورود و حضور در این گونه مسائل را به وی نمی‌دهد مگر این که از کار خود پشیمان باشد و ندامت وی سبب مسئولیت‌پذیری در قبال فرزند متولد شده باشد که این موضوع نه تنها در جهت افزایش بی‌بندوباری نیست.

البته باید این نکته را نیز در نظر گرفت که اخذ شناسنامه توسط مادر برای طفل، سبب از بین رفتن سایر مسئولیت‌های پدر طفل نمی‌باشد. در مواردی که طفل ناشی از روابط مشروع می‌باشد که قانون، شرع و عرف تکلیف پدر را مشخص نموده است و در مواردی که طفل ناشی از روابط نامشروع می‌باشد مطابق شرع و رای وحدت رویه شماره ۶۱۷ می‌بایست عمل کرد و تمامی احکام و تکالیف بر عهده پدر عرفی و طبیعی طفل می‌باشد.

نتیجه

ایران نیز همانند برخی از کشورهای دیگر برای حمایت از فرزندان ناشی از روابط غیرقانونی و شرعی پیشنهاد می‌شود، ترتیبی اتخاذ نماید که مادر طفل متولد شده چه در روابط مشروع و چه در روابط نامشروع بتواند بدوا و بدون نیاز به اذن پدر طفل اقدام به اخذ شناسنامه با نام و نام خانوادگی خود کند. هرچند در قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ این مورد پیش‌بینی گردیده است اما آن چه در قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ آمده مربوط به زمانی است که پدر طفل اقدام به اخذ شناسنامه ننماید و بعد از آن مادر می‌تواند این کار را انجام دهد. در صورتی که مقصود ما آن است که صرفاً در صورتی که مادر طفل

اقدام به اخذ شناسنامه نماید، مسئولین ثبت احوال مبادرت به صدور آن نمایند.

با اعتقاد به این موضوع که کودک می‌بایست در محیطی مملو از حمایت و مساعدت و در فضایی با محبت و تفاهم رشد کند تا بتواند مسئولیت‌های مربوط به خود را در جامعه بر عهده بگیرد که این حمایت و مساعدت آن چیزی است که جامعه و مردم آن که بدوا پدر، مادر و خانواده وی هستند برای او ایجاد می‌کنند و طفل در سالیان بعد آن را برای آن‌ها جبران می‌کند. پس می‌بایست آن چه در روحيات و اخلاقیات طفل ایجاد می‌شود آن گونه باشد که در بزرگسالی بتواند پاسخگوی نیازهای وی و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند باشد. همان گونه که در شرع و طبق فتاوی معتبری که در این زمینه وجود دارد و همچنین مطابق رای وحدت رویه شماره ۶۱۷ و طبق اسناد بین‌المللی می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که می‌توان تدابیری در جهت اخذ شناسنامه توسط مادر طفل صرفاً اندیشید. زیرا همان گونه که شرع پدر طفل نامشروع را پدر عرفی و طبیعی وی می‌داند و احکامی را برای وی در نظر گرفته است، به طریق اولی و با اطمینان کامل مادر نیز همین احکام را دارد و این موضوع دارای منعی در شرع نمی‌باشد و همچنین فقهای عامه معتقدند که رابطه نسب میان کودک خارج نکاح و مادرش برقرار می‌باشد و حقوق و تکالیفی که در نسب مشروع وجود دارد، در رابطه بین آن‌ها نیز جاری است و تکلیف به نگهداری و حضانت کودک تنها به عهده مادر می‌باشد. همچنین، در قانون ایران نیز که با عنایت به فقه و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی سازگار می‌باشد، اخذ شناسنامه توسط مادر طفل چه در روابط مشروع و چه در روابط نامشروع به صراحت منع نشده و حتی در صورت نیاز با استناد به قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ مادر می‌تواند برای طفل شناسنامه اتخاذ نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- باریکلو، علیرضا، ۱۴۰۱، **اشخاص و حمایت‌های حقوقی از آن‌ها**، چاپ نهم، تهران، انتشارات مجد.
- خالقی، علی، ۱۴۰۳، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات شهردانش.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، ۱۴۰۳، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ شصت و یکم، تهران، انتشارات میزان.
- فاضل لنگرانی، محمد، ۱۳۸۴، **جامع المسائل الاستفتائات**، چاپ یازدهم، قم، انتشارات امیرالعلم.
- قبله‌ای خوبی، خلیل، ۱۳۹۳، **مسائل مستحدثه**، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- کریمی، حسین، ۱۳۶۵، **موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)**، چاپ اول، قم، انتشارات شکوری.
- کی‌نیا، مهدی، ۱۴۰۳، **مبانی جرم‌شناسی**، چاپ بیستم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

عربی

- بدران، ابوالعینین، ۱۹۶۱م، **أحكام الزواج والطلاق في الإسلام**، چاپ اول، قاهره، انتشارات دار التألیف.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۳۹۹، **الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، چاپ شانزدهم، قم، انتشارات دار التفسیر.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۳۸۶، **فقه تطبیقی**، ترجمه کاظم پورجوادی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi